

پاره‌های نسخه‌شناسی
(دنبالهٔ مباحث پیشین)

ایرج افشار

۱۹

مقدار، وزن، مخارج

مصنّفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

در تاریخ و صّاف الحضرة شمّه‌ای دربارهٔ مصنّفات رشیدالدین با آوردن نام بعضی از آنها آمده است که مناسب دیدن متن را بر اساس نسخهٔ خط مؤلف (مورّخ ۷۱۱ق) با توجه به نسخهٔ چاپی آن^۲ (ص ۵۳۸-۵۳۹) درین رشته یادداشت‌ها نقل کند.

* * *

و با حصول این مناقب ثواقب اشتهار مصنّفات زادهٔ خاطر اشرف - زاده الله اشراقاً^۳ - موسوم^۴ به «جامع التصانیف»^۵ منقسم به ده مجلد هر مجلدی به وزن دو بیست من عدل تقریباً که مجموع آن پنج هزار ورقه باشد مستعمل بر اضعاف قطع بغداد^۶ که زیادت از شصت هزار دینار رایج در اجرت نسخ و تحریر و نقش و تصویر و جلد و ترسیس صرف شده مشتمل بر تأویلات قرآنی و توضیحات برهانی و مباحث سلطانی و لطائف صاحبقرانی و أسؤله و أجوبه متفرّق، و اخبار و آثار در فلاح و عمارت، و ابطال مذاهب تناسخ و ناسخ ایشان در منع و معارضه استدلال به آیات بیست و دوگانه از مصحف مجید، و بیان الحقائق، و صور اقالیم سب[عه]، و علم تواریخ و انساب مبتنی بر جداول انشعاب که برین نمط در هیچ کتب دیده نیامده است و برین طرز و ضابطه در هیچ عهد پرداخته نشده تا اوایل شهر سنهٔ اثنی عشره^۸ جامعاً بین الترجمة و التعریب^۹ و سبعمائة^{۱۰} مرتّب و مدوّن گشت. ابھی من نثر الورد و درّ العقد و زهر الروض و سبک التبر کلّها ذوب العقل و صوب الفضل و کنز الرمز و طراز العلم و عنبر الشجر و رقبة السحر یبین من سیاق تبیانها تراوة^{۱۱} الطرائف و طلاوة اللطایف و یعرف من اتّساق ترتیباتها^{۱۲} براءة العبارة و بضاعة الصناعة بیتلاً علیها سیماء الملك و راء الجلالة یملی بلسان الجزالة من یحفظ هذه الرسالة اصل الفضائل رسی له یحار المتأمل فیها اهی و دایع فصل الربیع أم بدایع فضل ابن الربیع و نפתات کلم أم زهرات حکم و سیاقات اعداد أم قیاسات قس ایاد و رسائل الرشیدیه أم و رسائل التوحیدیه حقیق ائیم الله أن یکتب بسواد العین و سویداء الفؤاد لا بمداد علی طروس جباه الحور لیقرأ الحسن من تلك السطور.

بیت^{۱۳}

عروس لفظش بر بسته از حروف نقاب	به وجه بر زده از لطف نکته نقطهٔ خال
به در فضل مقرّط نموده گوش سخن	سزد که عقل در افتد به پاش چون خلخال
عبارت است نه سحرست، نی مگر و حیست	که بی پیمبر و جبریل کرد استدلال

۱ کتابخانهٔ نور عثمانیه، ش 3207، گ ۲۴۲b - ۲۴۳b.

۲ به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، به خط محمد ابراهیم معروف به آقا، خلف محمد حسین اولیاء سمیع شیرازی (بمبئی: ۱۲۶۹ق)، ص ۵۳۸ - ۵۳۹.

۳ ج: اشراقاً. ۴ ج: موضع. ۵* ج: - به جامع التصانیف.

۶ ج: سه. ۷ ج: بغدادیه. ۸ ج: اثنی و عشر.

۹ ج: التقریب. ۱۰ خ: - و سبعمائة. ۱۱ ج: تراوة.

۱۲ خ: ترتیباتها. ۱۳ خ: - بیت.

مشاهیر علماء عصر و اکابر و بلغاء دهر هر یک از شمول فضلی فصلی پرداختند^{۱۴} و در میدان استحسان از رسوخ علمی عکمی افراختند و به معاطر حروف عنبرفام از مقاطر کلک منیف در کمال مصنف و براعت تصانیف کخط غالبه فی حد غانیة رقمی زدند و آن فصوص فصول اسماء و انساب ایشان در مستهل کتاب مثبت و منقول گشت. و اگر جهانیان به نظر انصاف نگرند و بی تفریط^{۱۵} و افراط طریقه خیر الامور یعنی^{۱۶} اوساط سپزند روشن و معلوم گردد که با وجود اشغال به تسبب مناظم مملکت^{۱۷} و مداومت بر ملازمت بندگی حضرت که لحظه ای زمان فراغت مهیا یا از شوائب مصفی نیست به جست و جوی چنین تحقیقات پرداختن و تیر تقدیر به مقرطس این مقصود انداختن جز کمال فضیلت ذاتی و ملکات ملکی و واردات قدسی بل فیض لدتی و تأیید الهی نتواند بودن.



■ انجامة «تاریخ و صاف الحضرة»، به خط مؤلف، ۷۱۱ ق، اندازه داخل جدول: ۲۵×۱۷ سم (استانبول: کتابخانه نوره عثمانیه، ش 3207)، گ ۳۱۳ پ.

^{۱۴} مراد مجموعه تقریظات علما و بزرگانی است که به مناسبت تألیفات رشیدالدین شرحی قلمی کرده‌اند و نسخ آن موجود است و فان اس آنها را به زبان آلمانی ترجمه کرده است.

^{۱۵} ج: توسط.

^{۱۶} ج: بعین.

^{۱۷} ج: ملک.

ذکر عدد اوراق نسخه در انجامه

میان کاتبان مرسوم نبوده است که در انجامه اطلاعاتی درباره نوع کاغذ و مقدار آن ذکر بکنند و از نوادرست که در نسخه‌ای از جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی (طوپقاپی سرای - استانبول، ش ۱۶۵۴) به دنبال متن انجامه قید تعداد اوراق نسخه شده است. انجامه آن نسخه چنین است:

واتفق الفراغ من التحرير بعون الله وحسن التيسير في ثالث شهر جمادى الاولى سنة سبع عشر و سبعمائة غفر الله لکاتبه و لجميع المؤمنين. جمع اوراق جامع التواریخ (که به اشتباه جامع الحکایات نوشته و به خط کاتب اصلاح شده است) بعدد سه صد و هفتاد و پنجست. والله اعلم.

درد دل در انجامه

در بعضی از انجامه‌ها نکته‌هایی مندرج است که ما را از گونه‌های متفنانه انجامه‌نویسی آگاه می‌کند. به تازگی نسخه‌ای ظریف از صحیفه سجادیه (مورخ ۱۰۸۶ق) نزد دوست گرامیم آقای دکتر حسین صدیقی دیدم که از تصاریف روزگار در اختیار ایشان قرار گرفته است. کاتب نسخه محمدامین نائینی آن را در هرات نوشته و از زمره حالات خود قید کرده که از داشتن اولاد و ازواج منزله است. متن انجامه به شرح زیر است:

فقد وفقت و شرفت من كتابة هذه الصحيفة الشريفة الكاملة النافعة الموسومة بزبور آل محمد و انجيل اهل البيت للامام الهمام سيد الساجدين و زين العابدين رابع ائمة المعصومين على ابن الحسين ابن على ابن ابى طالب - عليهم السلم - فى يوم الاثنين من يوم الثالث من عشر الثالث من شهر رجب المرجب من شهر عام ست و ثمانين بعد الف من الهجرة المقدسة النبوية المصطفوية - على مهاجرها افضل الصلوات و الال (?) التحية - و انا العبد الاثم المحتاج المنزه عن الأولاد و الأزواج تراب اقدام الصالحين و خادم الفقرا و المساكين ابن نظام الدین محمدامین النائینی - غفرالله لهما و تجاوز عن سيئاتهم - آمین یا رب العالمین. اللهم غفر الصحابها و کاتبها و قاریها و ناظرها و سامعها و من عمل بها بمحمد و آله الطیبین الطاهرین.

حسب الاشارة عالی حضرت صاحبی مستغنی الالقاب الاوصافی - مد ظله العالی - میرزا محمد جعفر قلمی شد. فى بلدة هرات - حرسه الله تعالى عن الآفات. (به شنگرفی)

قلم نی بیهقی

در تاریخ بیهق، نوشته ابوالحسن علی بن زید بیهقی (تألیف ۵۶۳ق، در قریه ششتمد) اطلاعی درباره نی قلم بر روئیده و برخاسته از ناحیه بیهق (سبزوار کنونی) آمده بدین عبارت:

در دیه مهر و دیه ششتمد خامه باشد که در هرات و بادغیس و جمله بلاد خراسان و مازندران مثل آن قلم نبود، و از قلم تحریر در خراسان و مازندران بهترین آن بود که در دیه مهر بیهق خیزد، آنگاه آنکه در دیه ششتمد باشد، آنگاه از آن ناقص تر قلم جرجانی، و از آن باز پستر اقلام که در نواحی هرات باشد.^۱

دیه مهر آبادی است در صد کیلومتری سبزوار (راه شاهرود به سبزوار) و ششتمد در بیست کیلومتری جنوب سبزوار. نکته ظریف این است که این قلم در خراسان و مازندران (همسایگان سبزوار) مصرف می‌شده است و می‌دانیم که در همان دوران قلم‌های شوشتری و واسطی شهرت داشته‌اند و علی‌الظاهر چون به این حدود نمی‌رسیده است مؤلف تاریخ بیهق اشارتی به آنها نکرده است تا از برتری یکی بر دیگری سخنی بگوید.

^۱ با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار (تهران: بنگاه دانش، ۱۳۱۷)، ص ۲۷۹.

بدنویسی قلم آهنین - نظری به خط نستعلیق

میان اوراق بازمانده از خاندان غفاری - بخش اسناد ابراهیم خان معاون الدوله - به تکه ورقی برخوردیم که امین الدوله (علی خان) مطلبی دربارهٔ بدی قلم آهنین و عبارتی دربارهٔ خط نستعلیق دارد. با یاد از مرحومان پدر و پسر حسنعلی معاون الدوله و فرخ غفاری و با سپاسگزاری از بهرام غفاری که اجازهٔ انتشار آنها را دارم. به مناسبت موضوع این یادداشت را به «نامهٔ بهارستان» تقدیم کردم.

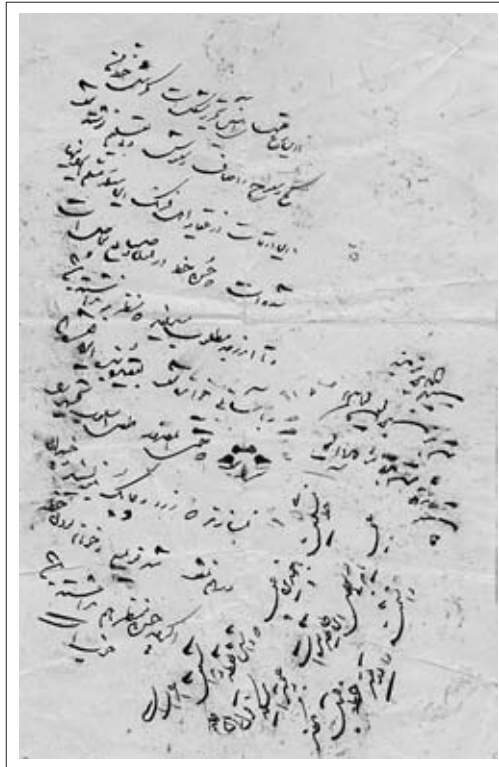
* * *

با این نوع قلم‌های آهنین تحریر مشکل است. مگر مثل خط من کج و معوج و ناصاف و مغشوش و بی‌تعلیم نوشته شود.

تا این اوقات از عقاید اهل فرنگ این مسئله مسلم ایرانی‌ها شده است که حسن خط از فنون و صنایع بی‌حاصل است و تا آن درجه مطلوب می‌نماید که منظر بد نداشته باشد و به آسانی خوانده شود. به عقیدهٔ بنده، این فقره هم شرط بود که حتی المقدور طوری اسلوب تحریر را بسازند که زود و چابک بنویسند و چندان درهم نشود.

تندنویسی و خوانا بودن خط اگرچه حسن منظر هم نداشته باشد خوب است. خط نستعلیق با چندین عیب که داشتن نقطه و نداشتن اعراب است عجیب مایهٔ بی‌سوادی این طایفه شده است و عجیب‌تر اینکه قول آن حکیم دانشمند^۱ را در تغییر خط قبول نکردند. قلم آهن بد می‌نویسد و چاره نیست. اگر هم قلم خوب بنویسد بنده بد خواهم نوشت.

نمونهٔ خط خوش دکتر بیانی با قلم آهن (از مجموعهٔ خانوادگی دکتر بیانی).



نامهٔ امین الدوله غفاری دربارهٔ بدنویسی قلم آهنین.

^۱ ظاهراً اشاره شده است به میرزا ملکم خان ناظم الدوله. تصور نمی‌رود که مرادش آخوندزاده باشد به مناسبت آوردن کلمهٔ «حکیم».

۲۴

وصف نسخه خطی

ابیات زیر بخشی از دیباچه‌ای منثور از میرزا جلالی طباطبائی زواره‌ای (قرن یازدهم) است که درباره دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی^۱ (متولد ۹۹۰ یا دو سال پیش از آن بنا به تشخیص محمد قهرمان - فوت محتملاً ۱۰۵۶ق) نوشته و چون اصطلاحاتی مربوط به نسخه را متضمن است در اینجا به ثبت می‌رساند.

تعالی الله ازین فرخنده دیوان	که روح القدس در وی می‌دمد جان
سخن را آب در جو از سطورش	خلیجی هفت دریا از بحورش
ز روی شمس‌اش خور می‌برد تاب	ز جوی جدولش دل می‌خورد آب
خط ریحان سبزان سمن بوی	تو گویی برگرفته نسخه زین روی
کند گر صفحه او حفظ صورت	بتان را آبرو آید ضرورت
بنان زین دست اگر معنی طرازد	عجب نبود اگر بر خویش نازد
نی کلک ار سخن زین سان سگالد	سزد بر خویش اگر چون سروبالد
(...)	(...)
نویسد کلکش ار معنی رخشان	برات لعل بر خاک بدخشان
چکد از خامه می‌گون او می	نی اندر ناخن نیشکر از وی
(...)	(...)
کمینه قطره خوار آب حیاتش	زکات فیض گیرد از دواتش
مداد او دهد از لعل خوبان	خط یاقوت را سرمشق ریحان
(...)	(...)
قلم از بوی این می، شد سیه مست	به دست اوست حق، گرفت از دست ^۲

۲۵

نقطه انتخاب و سه نقطه شک

درباره «نقطه انتخاب» و «سه نقطه شک» در دفترهای ۵ (ص ۲۱۵-۲۱۸) و ۶ (ص ۵۰۹) نامه بهارستان توضیحاتی داده شد. قدسی مشهدی (حاجی محمد جان) در یک بیت دو اصطلاح نقطه انتخاب و سه نقطه شک را این‌طور بیان کرده است:

کسب تفرّد از نُقطِ انتخاب کن	جمعیت زمانه به ارباب شک گذار ^۳
خوب مشخص کرده است که نقطه انتخاب منفرد است و نشانه شک به صورت جمعی است که پیش کاتبان و مؤلفان ترک سه نقطه بوده است. همین مضمون را در جایی دیگر چنین عرضه کرده است:	
افتم به راه، چون نُقطِ انتخاب، فرد	بر صفحه زمانه به جمعیتم چه کار؟ ^۴
این بیت هم ازو درباره نقطه انتخاب است:	
ز تنها نشینی مکن اجتناب	که تنها بود نقطه انتخاب ^۵

۱ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد قهرمان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.

۲ همان، ص ۵۳-۵۴. ۳ همان، ص ۲۰۵.

۴ همان، ص ۲۰۹.

۵ همان، ص ۹۳۳.

وصف مرقع و قلم از منیر لاهوری

- ۱ زبانم غارت رنگ چمن کرد
 ۲ چو بر بست از ثنایش خاطر م طرف
 ۳ از آن رو صفحه اش بر روی کارست
 ۴ به وصفش می کند کلک سخنور
 ۵ بهار از حرف رنگینش صفا جوست
 ۶ ز خط چون روی معشوقان دلجو
 ۷ به صورت صفحه رنگین صحبتی داشت
 ۸ کند کلکم ز فیض سحرکاری
 ۹ چمن را تا ثنایش روی داده
 ۱۰ ورق را با ورق در بند کرده
 ۱۱ خط هر صفحه اش با جدول تر
 ۱۲ نه صفحه از طلا زیور گرفته
 ۱۳ خطا هرگز به خطش آشنا نیست
 ۱۴ شوم چون در ثنای او قلم گیر
 ۱۵ بود زان دلنشین خط شگرفش
 ۱۶ به خط اوراق او نسبت گزیده
- * * *
- ۱۷ الا ای دستگیر نکته دانسان
 ۱۸ سواد دیده معنی مدادت
 ۱۹ دبیران را بود حرف تو باور
 ۲۰ تو سرو و سرفرازی شیوه تست
 ۲۱ به جز شغل سخن کاری نداری
 ۲۲ [اگر هم] یک نفس از ما جدائی
 ۲۳ به از تو دیده هیچ آفریده
 ۲۴ لباس نکته دانی بر قدت چست
 ۲۵ زنی هرگاه موج نکته دانی
 ۲۶ عجب نبود اگر رنگت سیاه است
 ۲۷ ترا دست دبیران است رهبر
 ۲۸ سخن را زنده کردن پیشه تست
 ۲۹ توئی مانند طوطی نکته اندیش
 ۳۰ چو سازد تار موئی سرگران
 ۳۱ بود لب زیر معنی بند بندت
 ۳۲ به بحر شعر هستی بی قرینه
 ۳۳ چو در راه سخن آبی به تعجیل
- ازین رنگین مرقع چون سخن کرد
 زبان خامه، نستعلیق زد حرف
 که همچون آینه صورت نگارست
 به آب نقش نقاشان زبان تر
 تو پنداری چمن یک قطعه اوست
 مخطط گشته روی صفحه او
 درو هر خط که دیدم صورتی داشت
 به وصف صورتش معنی نگاری
 به فکر قطعه رنگین فتاده
 چمن را با چمن پیوند کرده
 بود چون خط دست کیمیاگر
 که هست آینه ای در زر گرفته
 تو گویی اصل کاغذ از خطا نیست
 کند تحریر و صفش کار تحریر
 که در دل نقش کرده [حرف] حرفش
 خطای شاهدان را خط دمیده
- * * *
- سر و سرکرده نازک زبانان
 بیاض دیده مشتاق سوادت
 به سرگوشی نهی بر گوششان سر
 تو نخل و لفظ شیرین میوه تست
 به فکر معنی فربه، نزاری
 همانا مرغ دست آموز مائی
 درین نه دایره قطری ندیده
 عذار صفحه را خال و خط از تست
 شوی فواره آب معانی
 که در هند دواتت جایگاه است
 صراط مستقیمت خط مسطر
 رگ جان معانی ریشه تست
 ز کاغذ کرده ای آینه خویش
 زبان شانه را مانند زبان
 سویدایی دلم زبید سبندت
 توئی آن بحر را تیر سفینه
 به چشم منکر معنی کشی میل





توئی ما را عصا هنگام پیری	۳۴	که می‌دانی طریق دستگیری	
شود از رشک چون آبی به گفتار	۳۵	دل تیره فلک پر خون چو سوفار	
نه بی‌گر طاق در علم معانی	۳۶	علم چون گشته‌ای در نکته‌دانی	
به کاغذ شعر رنگین می‌نگاری	۳۷	که می‌گوید که در رگ خون نداری	
به دوران نیست کس چون تو زبردست	۳۸	که دست تو بود بالای هر دست	
سخندان را به جنگ خصم سرکش	۳۹	به جز تو نیست تیری روی ترکش	
چو تو نازک بیانی در جهان نیست	۴۰	به عالم چون تو یک رطب اللسان نیست	

اصطلاحنامه

آب نقش: ۴	شغل سخن: ۲۱
اوراق: ۱۶	صفحه: ۳، ۷، ۱۱، ۱۲، ۲۴
بیاض: ۱۸	صفحه رنگین: ۷
تار مو: ۳۰	صفحه طلا: ۱۲
تحریر: ۱۴ (۲)	صورت خط: ۷
جدول تر: ۱۱	صورت نگار: ۳
حرف: ۱۹	قطعه: ۵
حرف رنگین: ۵	قطعه رنگین: ۹
خامه: ۲	طلا: ۱۲
خط: ۶، ۷، ۱۱، ۱۳	قلم گیر: ۱۴
خط اوراق: ۱۶	کاغذ: ۲۹، ۳۷
خط دست کیمیاگر: ۱۶	کاغذ خطایی: ۱۳
خط شگرف: ۱۵	کلک: ۴، ۸
خط مسطر: ۲۷	مخطط: ۶
دبیران: ۱۹، ۲۷	مداد: ۱۸
دوات: ۲۶	مسطر: ۲۷
رنگ: ۱	معنی نگاری: ۸
رنگ سیاه: ۲۶	نستعلیق حرف زدن: ۲
رنگین مرقع: ۱	نقاشان: ۴
روی صفحه: ۶	نقش: ۱۵
زر: ۱۲	نقش حرف: ۱۵
سواد: ۱۸	نگار: ۳
شعر رنگین: ۳۷	ورق: ۱۰

چه بودن نوشته‌های یادداشتی ریز بر لبه طویل اوراق نسخه

در بعضی از نسخه‌های خطی نوشته‌های ریزی که کاتبان درست متصل به لبه‌های طویل بعضی از اوراق آنها نوشته‌اند دیده می‌شود. گاهی بر لبه بودن آنها به طوری است که به سبب برش صحاف مقدار کمی از آن نوشته‌ها بازمانده است. البته اغلب را از میان می‌برده‌اند از این روی که آن نوشته‌ها جنبه همیشگی ماندن را نداشته و می‌بایست از میان برده شود که صفحه نازیبا نباشد.

تاکنون آنچه دیده‌ام به دو منظور بوده است:

یکی برای کتابت عناوین و شماره فصول کتاب است که می‌بایست در متن به طور درشت‌تر یعنی با قلمی دیگر، یا خطی دیگر، یا رنگی دیگر در جای خود نوشته شود. پس کاتب اصلی آن موارد را به خطی بسیار ریز در جهت عمودی اوراق و درست چسبیده به لبه طویل ورق می‌نوشت تا پس از اتمام کتابت متن شخص کاتب یا دیگری با قلمی دیگر که لازمه درشت‌نویسی یا رنگی نویسی بود آن مطالب را در جای خود بنویسد. این نوشته‌ها را بر لبه آنقدر باریک و ریز می‌نوشتند که به هنگام صحافی نسخه بتوان نوشته‌ها را با برش دادن اندکی از لبه کاغذ سترد و چیزی باز نماند. اما اکنون گاهی آن گونه نوشته‌ها در بعضی از نسخه‌ها برجای مانده است، مانند آنچه وصاف‌الحضرة شیرازی (۶۶۳-۷۲۹ق) در حاشیه اوراق تزجیه الأمصار و تجزیه الأعضار (مورخ ۷۱۱ق) (نور عثمانیه، 3207، گ ۲۹۸ ب) به خط بسیار ریز یادداشت کرده: «اوصاف پادشاه» و طبعاً قصد داشته تا بعد از نوشتن اوصاف پادشاه به خط و رنگی دیگر در متن، یادداشت حاشیه را بسترده. * نوع آخر که به همان طریق انجام می‌شده برای ضبط یادداشت‌هایی است به منظور به یاد آوردن مطلبی که در آن صفحه می‌باید صورت تألیف به خود بگیرد. این مورد مربوط به نسخه‌هایی است که حالت مسوده دارد و مؤلف آن جزوات را برای تحریر نوشته‌اش اختصاص داده بوده است. *

یک نمونه مشخص از این گونه کار که هم‌اکنون در دست دارم مربوط به دفترهای خاطرات روزنامه خاطرات سید علی محمد دولت‌آبادی است از رویدادهای روزگار مشروطیت که سه نمونه از آن در اینجا ارائه می‌شود. * از دکتر هوشنگ دولت‌آبادی دوست فاضل عزیزم متشکرم که اصل یادداشت‌ها را در اختیارم گذاشت. با دیدن این مجموعه متوجه شدم که سنت لبه‌نویسی یادداشت‌های موقتی که قرن‌ها میان اهل علم رواج داشته است تا حدود صد سال پیش هم مرسوم بوده. ورنه اگر این اسلوب میان قدما مرسوم نبود نمی‌توان تصور کرد که علی محمد دولت‌آبادی مبتکر آن بوده است.

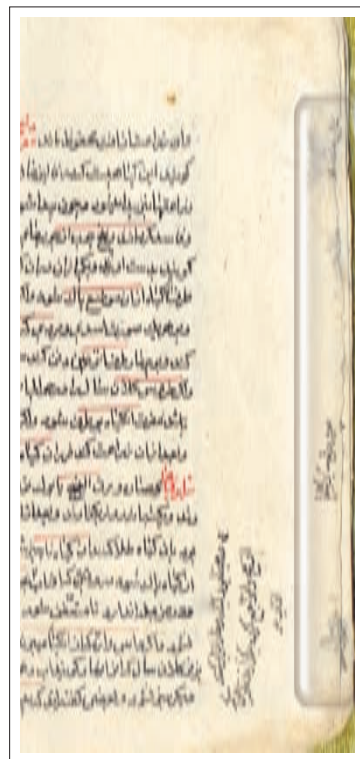
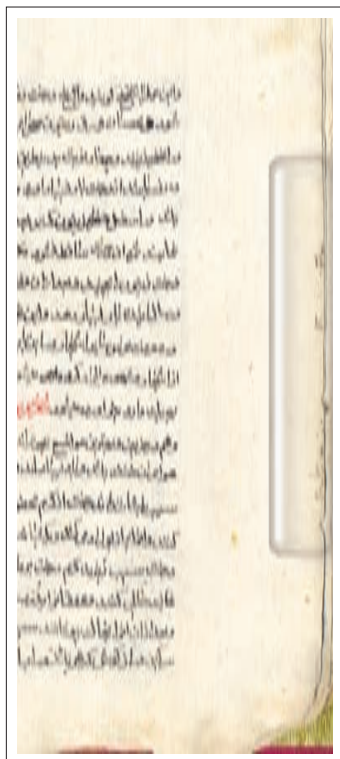
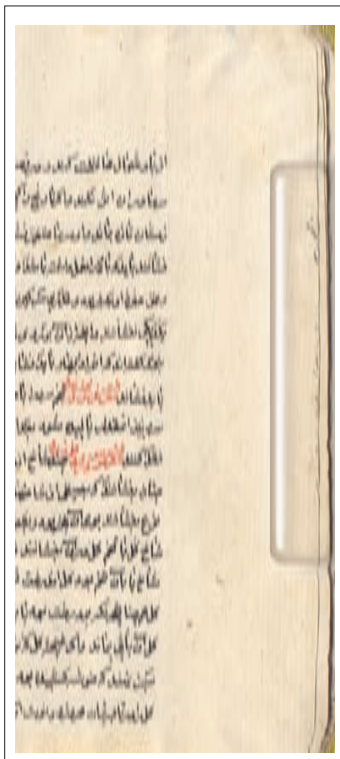
به هر تقدیر چون تاکنون ندیده‌ام در فهرست‌نگاری‌های نسخه خطی به این دقیقه از کتاب آرائی توجه شده باشد ضرور دانست این چند سطر قلمی شود و پیشنهاد می‌نماید که اگر از این گونه عوارض در نسخه‌ها باشد به مناسبت آنکه مربوط به گوشه مهمی از فن کدیکولوژی است حتماً یادآور آن موارد بشوند.



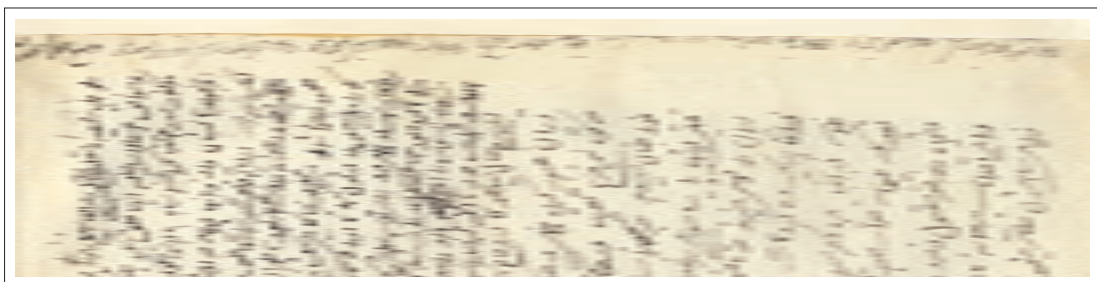
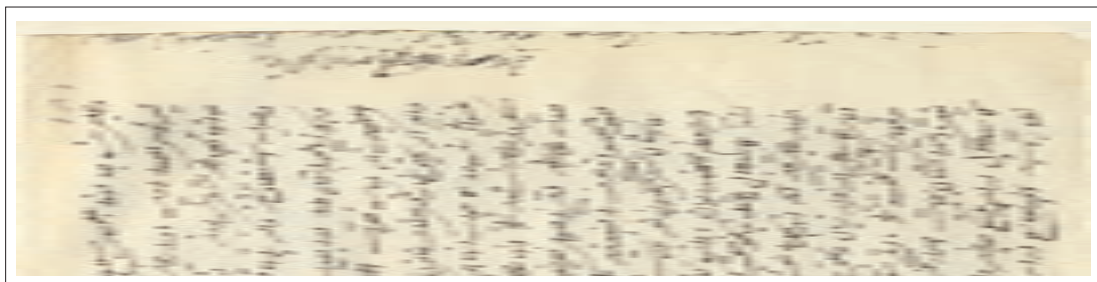
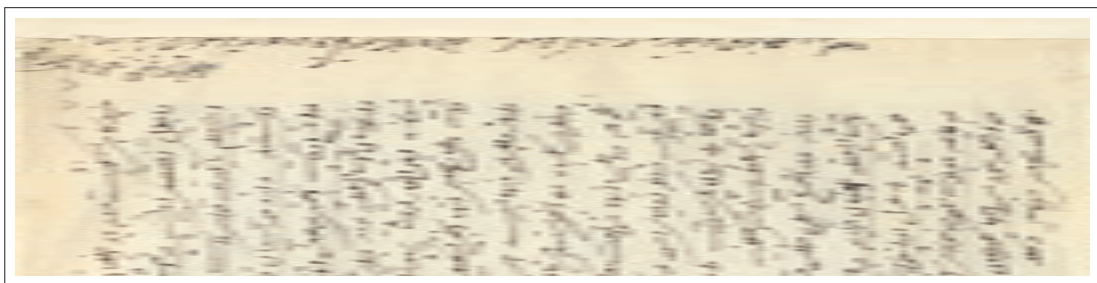
خنجر استخلاص دمشق و شامات و باز افلات آن صید
 از شبکه تملک خان غازان منتهی بود و درین اندک مدت
 از سایر دوران سبتر شکار کون و **تغیر** و **تغییر** در شکار اقیاب
 غریب فریلوان و وقایع در کران بر رقیقه ظهور افازده **مصر**
فنی کن نومی لکن ملاء و **فولک شهر للانام مشاهر**
 و شرح بعضی امور که ایراد آن از لوازم این کتاب **بجی** نمود
 مهمل مانده اولی آن سواد بود تا آن حد که طباع کردار
 صحیح ارکان ملاحظه فی اصل مساوی فرج قرار گیرد و
 خون **حن** خایب محاربا به استمرار پذیرد با ادوات
 این رسالت و اخوان این معانی که با هم در نزلت
باید می بوند **مکمل سر رشته محبت** که **زخما** پیوستگی **تاکم دارم با تو**
 از افت انقطاع مسلم ماند و بتخلص نویب جلوس همایون
 ماز شاه روی زمین زینده باج و **ملک** **مولف**
جمشید کهن دل **بخیر** و **سیام** **آیین** **اسلند** **کشمال** **وش** **دارای** **فردوس**
خورشید **فلک** **هیب** **درون** **مضامان** **پیشان** **سجباران** **در** **پناه** **چهار** **لنگر**
حان **من** **خان** **ناشر** **العدل** **والایمان** **قاهر**

مولف

نویسنده



ت ۲-۴: معرفت فلاح، تألیف عبدالعلی بیرجندی، کتابت سده ۱۱ق (از مجموعه شخصی ایرج افشار).



ت ۵-۷: دفتر خاطرات سید علی محمد دولت آبادی، به خط مؤلف (از مجموعه شخصی دکتر هوشنگ دولت آبادی).

«پ» و «چ» در نسخه‌های قدیم

میان اوراقی که مرحوم حبیب یغمائی از ته بساط مجله یغما به من داد یک صفحه از نامه‌ای است که مرحوم محمد قزوینی در تاریخ ۲۲/۷/۲ به مرحوم غلامرضا فرخ‌منش نوشته است. فرخ‌منش در وزارت فرهنگ وقت ظاهراً عضو یا معاون اداره نگارش بود. با اینکه ناقص است آن را نقل می‌کنم زیرا رأی دانشمندی بی‌قرین را درباره کتابت پ و چ در «عموم نسخ قدیمه فارسی» در بردارد و بمانند هر سطر از نوشته او قابل استفاده تواند بود و البته تعمق. زیرا در این چهل پنجاه سال اخیر نسخه‌هایی شناخته شده است که در آنها پ و چ با سه نقطه هست.

* * *

۲۲/۲/۷

آقای غلامرضا فرخمنش مدّ ظلّه

شعر سعدی در باب هشتم (ص ۱۸۷ از چاپ نستعلیق مرحوم فروغی) یعنی

امروز دو مرده بیش گیرد مرکب
فردا گوید تری از آنجا برکن

را که سرکار خیال کرده‌اید به زبان شیرازی قدیم است من گمان نمی‌کنم چنین باشد بلکه به همین زبان فارسی معمولی است منتهی حاق مقصود آن به نحو قطع و یقین معلوم نیست و در هر صورت از شعرهای خیلی عالی شیخ نیست.^۱ و لابد اشاره به مثلی یا تعبیری محلی بوده است که امروزه برای ما یا درست مفهوم نیست یا اقلاً لطفی چندان برای ما ندارد.

و آنچه اینجانب در معنی این شعر احتمال می‌دهم از قرار ذیل است:

(اولاً عرض کنم که این شعر به عینه همین طور که بالا نوشته‌ام یعنی «آنجا» به جای «اینجا» در نسخه خطی گلستان کتابخانه ملی پاریس مورّخه سنه ۷۶۷ که عکسی از آن فعلاً نزد اینجانب موجود است نوشته شده است. پس در صحّت کلمات آن شبه‌ای نیست).

و این را هم عرض کنم که چنانکه لابد می‌دانید در عموم نسخ قدیمه فارسی قبل از قرن هشتم و نهم هجری پ و ب و ج و چ را یکطور می‌نوشته‌اند یعنی برای پ سه نقطه نمی‌گذارده‌اند و همچنین برای چ، بنابراین ممکن است که (بیش) در بیت مزبور (پیش)^۲ [دنباله نامه در دستگاه مرحوم یغمائی گم شده است.]

^۱ درباره این بیت نوشته‌های این بزرگان باقی است و دکتر غلامحسین یوسفی در تعلیقات خود بر گلستان سعدی (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۴، ص ۵۲۸) یاد آور آنها شده است: محمد قزوینی، خلیل خطیب‌رهر، محمد خزائلی، اسماعیل رفیقیان. نیز نک: محمدرضا شفیعی کدکنی، «فردا گوید تری از آنجا برکن»، در: پژوهش‌های ایران‌شناسی: نامواره دکتر محمود افشار، ج ۱۶، ستوده‌نامه (۲). به کوشش ایرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان، محمدرسول دریاگشت (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴)، ۲: ۵۴۵ - ۵۴۹.

^۲ شاید مرحوم یغمائی در جایی از مجله یغما این نامه را چاپ کرده باشد. هرچه جستجو کردم نیافتم، به قول خود یغمائی:

به جستجوی ورق پاره نامه‌ای امروز
چو روزهای دگر عمر خود هیا کردم

اگر هم چاپ شده باشد تجدید آن در این نشریه که مخصوص نسخه‌های خطی است بی‌مورد نخواهد بود.

۲
بلر و ملازم و آنچه اینها بنام در لغت آمده است

مصلحتهم از تواریخ و ادب (الادب عن لغتهم)

بعضی مصلحت طاهر که به او اشاره شده معنی آنجا بجای

در اینجا و در لغت فعلی مکتوبی که بنام مکتوب

مدرسه شماره ۱۷۹۷ مکتوبی از الان مکتوب

و بنام مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

و اینها هم مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

۲۲ / ۲ / ۷

۱۵ مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

توسعه در بنام مکتوب (۱۸۷۷) از بنام مکتوب

امروز دوم ده بنام مکتوب مکتوب

خود را گداید توری از آنجا مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب مکتوب

خطنقش در کتابت اسدی طوسی

نسخه‌الأنبیه عن حقایق الأدویه نسخه فارسی تاریخدار است (کتابخانه ملی اطریش، A. F. 940)، مورخ ۴۴۷ ق به خط اسدی طوسی، سراینده گرشاسب‌نامه و گردآورنده لغت فرس که باشنده قرن پنجم است. قدیمترین تفننی بدیع در رسم‌الخط کلمات دارد که به مناسبت تعدد موارد در نسخه می‌باید حمل بر آن شود که در آن روزگار مرسوم می‌بوده است. عمده آن موارد را در اینجا برای دیدن اصحاب نسخه‌شناسی و مراقب بر ریزه‌کاری‌های مهجور آن نقل می‌کنم تا اگر این گونه کتابت را در نسخه‌های دیگر قدیمی دیده‌اند یادآوری فرمایند.

شمالی	– شمالی	ارسطاطالیس	– ارسطاطالیس
شمالی	۹/الف ۱۹۳ ■	ارسطاطالیس	۱۰/الف ۱۶۹ ■
طالبان	– طالبان	اسهال	– اسهال
طالبان	۴/ب ۲ ■	اسهال	۴/الف ۱۸۹ ■
فالج	– فالج	اطلاق	– اطلاق
فالج	۳/ب ۲۱۳ ■	اطلاق	۷/ب ۱۹۰ ■
مالند	– مالند	افراط	– افراط
مالند	۱۰/ب ۸۷ ■	افراط	۲/الف ۸۲ ■
مالی	– مالی	باطل	– باطل
مالی	۸/الف ۹۷ ■	باطل	۶/ب ۷۸ ■
نشاط	– نشاط	باطن	– باطن
نشاط	۱۱/ب ۸۱ ■	باطن	۲/الف ۲۱۴ ■
هال	– هال	توبال	– توبال
هال	۷/الف ۲۱۷ ■	توبال	۱۱/ب ۵۵ ■
مثقالی	– مثقالی	حی العالم	– حی العالم
مثقالی	۱۱/الف ۲۱۳ ■	حی العالم	۸/الف ۷۳ ■
قاطع	– قاطع	سعال	– سعال
قاطع	۱۲/الف ۱۴۶ ■	سعال	۱۲/الف ۹۷ ■

شکل کلمات نشان می‌دهد در بعضی موارد که فاصله‌ای بیش از معمول میان دو جزو کلمه حادث شده باشد آن محل را با گذاشتن سه نقطه پر، در حقیقت آرایش کرده است مانند اسهال. ولی همین کلمه به صورت (اسهال) هم دیده می‌شود (ص ۲۰۲/ب ۲). دیگر اینکه معمولاً میان الف و لام و الف و ط این نوع تحریر دیده می‌شود.

Varia Codicologica

(A continuation of previous discussion - Selective)

Iraj AFSHAR

19

Amount, Weight, and Expenditures of Rashīd al-Dīn Fażlollāh's Writings

This paper extracts important information about the titles and characteristics of some of Rashīd al-Dīn Fażlollāh's writings from a holography manuscript of the History of Wassaf, which is dated 711 hejri (AD 1312). Interestingly enough, the text refers to the extent, weight, and expenditures of these works.

20

Number of Folios in the Colophon

Scribes rarely include information about the type or amount of paper that was used in producing the manuscript within their colophons. There is a copy of Rashīd al-Dīn Fażlollāh's Jāme^c al-Tawārīkh in the Topkapi museum, in which the number of the codex's folios is stated in a note that follows the colophon.

21

Personal Information in Colophons

The texts of colophons are often quite varied and personal. There is a fine copy of the Sahīfa-ye Sajjādiyya (dated 1086/1675), the scribe of which has included personal information concerning his being unmarried and having no children.

22

Reed Pens of Beyhaq

Abu al-Ḥasan ʿAlī b. Zeyd-e Beyhaqī, the author of History of Beyhaq, includes information about the reed pens that were produced in the city of Beyhaq and were popular in Khorasān and Māzandarān.

27

On the Nature of Some Marginalia

Some manuscripts show small notes, which are written along the length of the page on the margin. Most of these notes are lost to the binders' trimmings, however, occasionally some of them have survived, and show that they were of a temporary nature. These notes tend to be of two kinds: Notes that concerned titles and chapter headings that fell on that page, and notes that are about the contents of the page. Manuscript evidence shows that this custom was prevalent until about one hundred years ago.

29

Decorative Features of Asadi's Orthography

The manuscript of al-Abniya ʿAn al-Haqaʿeq al-Adwiya (dated 447/1055) in the Austrian National Library, which was copied by the poet, Asadī of Tūs, has interesting orthographic features that are listed in this paper.

